

## تحلیل موانع فقرزدایی ورزشی در ایران

شیدا رنجبری<sup>۱</sup>، اکبر آقازاده<sup>۲</sup>، عبدالله چمن‌گلی<sup>۳</sup>

۱. استادیار مدیریت ورزشی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران\*

۲. استادیار مدیریت ورزشی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

۳. دکتری مدیریت ورزشی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۷

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی موانع فقرزدایی ورزشی در کشور ایران با استفاده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری انجام شد. این مطالعه از نوع پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر خبرگان مدیریت ورزشی بودند که در عرصه‌های سیاست تجربه کافی و دانش مناسب در خصوص مسائل مربوط به فقر در ورزش داشتند. ابزار پژوهش پرسش‌نامه‌ای پژوهشگرساخته با ۲۳ سؤال بود که شامل ۲۳ مانع فقرزدایی ورزشی در کشور ایران بود. روایی سازه‌ای پرسش‌نامه با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی تأیید شد. پایایی این پرسش‌نامه نیز با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ تأیید شد. تمامی روند تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در نرم‌افزارهای اس.پی.اس.اس و میک مک انجام گرفت. نتایج نشان داد که برخی موانع از جمله توجه نکردن خانواده‌ها به ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور، وجود تغییرات طبیعی و جغرافیایی در برخی مناطق محروم و ایجاد برخی معضلات طبیعی در این مناطق، نبود برنامه‌های آموزشی در حوزه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین، ضعف فرهنگی در خصوص استفاده تمامی اقشار و گروه‌های حاضر در مناطق محروم و فقیرنشین، نبود واحدهای صنعتی و تولیدی در جهت حمایت از ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور و توجه نکردن مدیران ارشد ورزشی کشور به مقوله توسعه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور در گروه متغیرهای مستقل اصلی مشخص شدند که سبب ایجاد و شکل‌گیری سایر موانع می‌شوند.

**واژگان کلیدی:** فقرزدایی، محرومیت، ورزش، عدالت، روستایی

## مقدمه

امروزه، توسعه تربیت‌بدنی و ورزش به‌عنوان زمینه‌ساز تأمین و تربیت نیروی انسانی سالم و تندرست، بخشی از برنامه‌های توسعه ملی به‌شمار می‌رود. شمول ورزش در برنامه‌های ملی مستلزم رعایت همه جوانب، آثار و کارکردهای این پدیده در جامعه است (قاسمی، تجاری، بروجردی علوی، امامی و امیری، ۱۳۹۱، ۱۳۸). در سال‌های گذشته، نهادهای مختلف بخش تربیت‌بدنی و ورزش برنامه‌های متعددی را طراحی و اجرا کرده‌اند؛ اما به‌دلیل نبود هماهنگی و انسجام کافی از کارایی لازم برخوردار نبوده‌اند و به‌نظر می‌رسد این ناکامی بعد از تدوین طرح جامع ورزش نیز ادامه دارد. شکاف عمیق بین نظر و عمل غیرکاربردی‌شدن دانش تربیت‌بدنی نشان می‌دهد که از امکانات و منابع موجود به‌درستی بهره‌برداری نشده است (وب<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶، ۱۶۶). امروزه، به ورزش به‌عنوان عمده‌ترین ابزار تربیت می‌نگرند. نهادهای سیاسی مانند دولت‌ها و احزاب و نهادهای اجتماعی مانند سازمان‌های غیردولتی، آموزشی، فرهنگی و دینی در غرب، از ورزش به‌عنوان ابزار هدایت عامه بهره می‌گیرند (آدوم، دی کونینگ، بیتوگو و کریم<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶، ۹۱۰). دولت‌ها دریافته‌اند که کمک ورزش می‌تواند شهروندان همراه‌تری داشته باشند. این چنین طرز تلقی از ورزش نمودی نو است. کشورهای پیشرفته صنعتی ورزش را ابزاری بسیار قدرتمندی برای هدایت، هماهنگی و کنترل شهروندان می‌دانند. درعین‌حال، ورزش یکی از حیطه‌های پررونق اقتصادی برای ایجاد اشتغال بوده است (دارنل<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶، ۲۸). با افزایش استقبال مردم به تربیت‌بدنی و ورزش، زنجیره‌ای از تقاضاهای مستقیم و غیرمستقیم در بخش‌های اقتصادی مختلف پدیدار می‌شود. درواقع، در اثر افزایش تقاضای ورزش به میزان اقتصاد ملی افزوده می‌شود و ضریبی به‌وجود می‌آید که به کمک آن می‌توان دریافت که واحد اقتصادی در ورزش به چه میزان بر اقتصاد ملی اثر مستقیم یا غیرمستقیم می‌گذارد. ورزشکاران حرفه‌ای یکی از ارکان اصلی توسعه ورزش قهرمانی هستند. ورزشکاران حرفه‌ای معمولاً به‌دنبال راه‌های بهتر برای فروش کالای خود که مهارت در رشته ورزشی است، هستند. این ورزشکاران به‌طور مستقیم و غیرمستقیم موجب ارتقای رشته ورزشی و به‌تبع آن، ارتقای ورزش قهرمانی می‌شوند. در این مورد، مسئولان ورزش کشور وظیفه سنگینی در قبال این‌گونه ورزشکاران دارند. ایجاد محیطی مناسب برای فعالیت این ورزشکاران بسیار مهم است (جیولیانونی، کولیسون، دارنل و هوی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷، ۱۲۳).

- 
1. Weeb
  2. Adom, De Coning, Bitugu & Karim
  3. Darnell
  4. Giulianotti, Collison, Darnell & Howe

اهمیت توسعه ورزش سبب شده است تا در جوامع مختلفی به گسترش آن اقدام کنند؛ اما در این بین، نبود عدالت در برنامه‌ها، نیروی انسانی و تجهیزات در ارتباط با ورزش سبب شده است تا فقر ورزشی در برخی مناطق شکل گیرد. توسعه عادلانه ورزش در تمامی نقاط شهری می‌تواند به توسعه جوامع به صورت یکپارچه منجر شود (دیگارس، کنایت، رودگرس و کلارک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷، ۴۷). توسعه ورزش در مناطق محروم می‌تواند به رشد این مناطق در سایر عرصه‌ها از جمله رشد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی منجر شود. افزون‌براین، توسعه نیافتن ورزش در برخی مناطق از جمله مناطق محروم می‌تواند سبب بروز خسارت‌های مالی بی‌شمار در حوزه‌های پزشکی و بهداشتی شود. از این رو، دولت‌ها در جهت گسترش برنامه‌های توسعه در ورزش نیازمند برخورداری از برنامه‌های منسجم و عادلانه هستند (لیونز<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۰، ۲۱). در کشور ایران با توجه به وسعت زیاد، شاهد وجود مناطق محروم بسیاری هستیم که این مناطق در حال حاضر با مشکلات بهداشتی، درمانی، اقتصادی و فرهنگی مواجه هستند. این در حالی است که از ظرفیت‌های ورزشی در سطح همگانی، آموزشی، قهرمانی و حرفه‌ای می‌توان به خوبی برای بهبود این مناطق اقدام کرد؛ به عنوان مثال، بسیاری از ورزشکاران فوتبال در کشور برزیل توانسته‌اند با استعدادی مناسب به سطح اول فوتبال جهان دست یابند (فونتس، فوتنس و دهولاندا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴، ۲۹). همچنین، هامپل، آون و لسلی<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) اشاره کردند که حدود ۲۱۰ هزار کودک اسکاتلندی در مناطق محروم زندگی می‌کنند که نبود امکانات ورزشی برای آنان سبب شده است مشکلات عمده‌ای در زمینه‌های پزشکی برای آنان به وجود آید و هزینه‌های گزافی برای دولت داشته باشند. برای توسعه مناسب ورزش در هر کشور باید به هریک از مؤلفه‌های ورزش به شکل مناسبی توجه و تأکید داشت. نتایج بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد که توجه و تأکید بر مؤلفه‌ها و ابعاد مختلف ورزشی، شرایط متعادل و برابری ندارد (چاپلین<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴، ۱۹۵). اهمیت ورزش به مثابه عامل مهم تفریحات سالم برای عموم افراد جامعه و هدایت آن‌ها برای مشارکت در ورزش است که نیازمند برنامه‌ریزی مناسب سیاست‌گذاران و بسیج همه امکانات و زیرساخت‌های موجود برای ترویج ورزش به عنوان سبک زندگی افراد جامعه و ایجاد فرهنگ سلامت و تندرستی در جامعه است (دارنل، ۲۰۱۰، ۵۶)؛ از این رو، می‌توان به خوبی درک کرد که گسترش ورزش در تمامی مناطق از جمله مناطق محروم یکی از اهداف عالی هر جامعه‌ای است. این در حالی است که لزوم توجه به مقوله فقر ورزشی در کشور ما در برخی مناطق به خوبی درک

- 
1. De Garce, Knight, Rodgers & Clark
  2. Lyons
  3. Fontes, Fontes & DeHollanda
  4. Humpel, Owen & Leslie
  5. Chapin

می‌شود. این مسئله ناشی از نبود عدالت در استفاده از منابع انسانی، مادی و تجهیزاتی در ورزش است که سبب نبود توزیع مناسب ورزش در کشور شده است. در پژوهش‌های اندکی به بررسی فقرزدایی در ورزش پرداخته شده است. کوالتر، آلیسون و تایلور<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) در پژوهش خود اشاره کردند که توسعه ورزش در مناطق محروم می‌تواند در درازمدت سبب کاهش هزینه‌های دولت‌ها در تمامی عرصه‌ها در این مناطق شود.

برخی مطالعات موانع فقرزدایی ورزشی را بررسی و تحلیل کرده‌اند. در برخی پژوهش‌ها به موانع مربوط به نیروهای انسانی از جمله نبود مدیران بومی و نبود افراد متخصص اشاره شده است (واندرمرسچن، وان ریجنمورتل و اسپردر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). در برخی مطالعات نیز درباره موانع مدیریتی بحث شده است. نبود پوشش رسانه‌ای در جهت شناسایی وضعیت فعلی فقر ورزشی در مناطق محروم و همچنین، نبود ارزش‌یابی و نظارت مناسب در خصوص برنامه‌های ورزشی در این مناطق از جمله موانعی بوده‌اند که در برخی پژوهش‌ها به آن‌ها اشاره شده است (کوهن<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۲؛ فریدمن و همکاران، ۲۰۱۴؛ وان میدلکوپ<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۷؛ کرامر، لاکرولد، استرونکس و کونست<sup>۵</sup>، ۲۰۱۷). افزون‌براین، در برخی مطالعات از جمله پژوهش‌های گیرگینوو و هیلز<sup>۶</sup> (۲۰۰۸)، واندرمرسچن و همکاران (۲۰۱۷) و هودگی، کانتز، فورنریس، بوکارو و سایرین مککورد<sup>۷</sup> (۲۰۱۷) به موانع فرهنگی از جمله آگاهی پایین خانواده‌ها در راستای مزایای ورزش، نبود ضرورت و دغدغه در جهت توسعه ورزش در مناطق محروم و همچنین، آگاهی‌نداشتن دولت در خصوص ظرفیت‌های مناطق محروم در توسعه ورزش در ابعاد مختلف اشاره شده بود. در برخی از مطالعات نیز موانع زیرساختی از جمله نبود عدالت در توزیع منابع مالی و انسانی در ورزش بحث و بررسی شده بودند (الواوی، کریک، مک‌کینتاری و موتری<sup>۸</sup>، ۲۰۰۷؛ نوگورا<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین، پژوهش‌های معدودی به بررسی موانع حقوقی و قانونی از جمله فقدان قوانین حمایتی ویژه توسعه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین اشاره داشته‌اند (فریدمن، آندروز و سیلک<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۴). با توجه به مطالعات انجام‌شده در این حوزه، نبود پژوهش‌های جامع در کشور ایران با توجه به شرایط و ویژگی‌های

- 
1. Coalter, Allison & Taylor
  2. Vandermeerschen, Van Regenmortel & Scheerder
  3. Cohen
  4. Van Middelkoop
  5. Giulianotti, Collison, Darnell & Howe
  6. Girginov & Hills
  7. Hodge, Kanters, Forneris, Bocarro, & Sayre-McCord
  8. Ellaway, Krik, Macintyre & Mutrie
  9. Nogueira
  10. Friedman, Andrews & Silk

متفاوت به خوبی مشاهده می‌شود. افزون‌براین، برخی موانع ویژه کشور ایران که در مسیر فقرزدایی تأثیرگذار هستند، به شناسایی و بررسی نیاز دارند. طبیعی است که محیط‌های متفاوت پژوهش‌های انجام‌شده با محیط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور، لزوم توسعه پژوهش‌ها در این حوزه را به خوبی نمایان می‌کند.

با توجه به کارکردهای ورزش در سطح جامعه نیاز است با بررسی‌های علمی در این حوزه به تقویت فعالیت‌ها در زمینه فقرزدایی در ورزش اقدام شود. با توجه به گستردگی ایران، ایجاد برخی مناطق محروم از منظر ورزشی امری بدیهی است. در این بین، تلاش در جهت رفع فقر در حوزه ورزشی نیازمند برخورداری از شواهد کافی علمی در این حوزه است. پژوهش در زمینه علل بروز فقر ورزشی می‌تواند به عنوان یک راهنمای مناسب در مسیر توسعه فقرزدایی استفاده شود. انجام پژوهش‌ها در این حوزه می‌تواند علاوه بر بهبود آگاه‌سازی در این حوزه به تقویت شواهد علمی در حوزه فقرزدایی در ورزش منجر شود. این مسئله علاوه بر شناسایی برخی موانع، سبب سهولت در برنامه‌ریزی و اقدامات در این حوزه می‌شود. افزون‌براین، بررسی پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که خلأ پژوهشی ناشی از کمبود مطالعات در حوزه فقرزدایی ورزشی، به خصوص در ایران وجود دارد.

لزوم فقرزدایی در ورزش کشور بیش‌ازپیش لازم است. انجام هزینه در مسیر توسعه ورزش در مناطق محروم می‌تواند به صرفه‌جویی هزینه‌های گزاف در مسیر بهداشت، فرهنگ و اشتغال در این مناطق منجر شود؛ از این رو، به خوبی قابل مشاهده است که فقدان برنامه‌ریزی‌ها در مسیر فقرزدایی در ورزش سبب بروز خطرهای جدی در این حوزه شده است که سبب شده است کشور ایران را با آسیب‌های جدی مواجه کند. در پژوهش حاضر، برای بررسی موانع فقرزدایی ورزشی از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری استفاده شده است. این روش علاوه بر شناسایی عوامل و موانع، به سطح‌بندی این عوامل و موانع می‌پردازد. در پژوهش حاضر، سطح‌بندی کردن موانع فقرزدایی ورزشی می‌تواند مشخص کند که کدام موانع سبب شکل‌گیری سایر موانع هستند. به عبارت دیگر، موانع زیرساختی در رفع فقرزدایی ورزشی به واسطه این روش به خوبی شناسایی می‌شود. این روش علاوه بر شناسایی موانع، در قالب مدلی موانع مهم و ضروری را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه برخی موانع از درون سایر موانع شکل می‌گیرند، این روش با توجه به فرایند خود موانع اصلی در مسیر فقرزدایی ورزشی را شناسایی می‌کند. این مسئله می‌تواند به صورت مؤثری موانع اصلی را مورد توجه قرار دهد تا از این طریق بتوان برنامه‌ریزی مناسبی را در خصوص رفع موانع شناسایی‌شده انجام داد؛ از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی موانع فقرزدایی ورزشی در کشور ایران، علاوه بر استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری سعی در پاسخ به این سؤال دارد که موانع فقرزدایی ورزشی در کشور ایران چه هستند؟ و رتبه‌بندی آنان چگونه است؟

## روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی است که به صورت میدانی انجام شد. جامعه آماری پژوهش خبرگان حوزه مدیریت ورزشی بودند که در عرصه‌های سیاست تجربه کافی و دانش مناسب در خصوص مسائل مربوط به فقر در ورزش داشتند. براساس انتخاب گلوله‌برفی، ۱۷ نفر به عنوان نمونه پژوهش مشخص شدند. خبرگان شناسایی شده برخی اساتید مدیریت ورزشی آگاه در حوزه فقر و سیاست‌گذاری در ورزش و همچنین، برخی اساتید سایر حوزه‌های مدیریت بودند که در حوزه فقر و محرومیت در ورزش تخصص داشتند. جدول شماره یک ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خبرگان پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خبرگان پژوهش

خبرگان	مدرک تحصیلی	سابقه شغلی	سمت	تخصص
خبره ۱	دکتری	۱۰ سال	عضو هیئت‌علمی	سیاست‌گذاری سلامت
خبره ۲	کارشناسی‌ارشد	۷ سال	کارشناس سازمانی	جامعه‌شناسی
خبره ۳	دکتری	۱۵ سال	عضو هیئت‌علمی	مدیریت ورزشی
خبره ۴	کارشناسی‌ارشد	۱۵ سال	مدیر سازمانی	مدیریت دولتی
خبره ۵	دانشجوی دکتری	۱۰ سال	کارشناس سازمانی	سیاست‌گذاری عمومی
خبره ۶	دکتری	۱۲ سال	عضو هیئت‌علمی	علوم سیاسی
خبره ۷	دکتری	۱۱ سال	عضو هیئت‌علمی	مدیریت دولتی
خبره ۸	دکتری	۹ سال	عضو هیئت‌علمی	مدیریت منابع انسانی
خبره ۹	کارشناسی	۱۳ سال	کارشناس سازمانی	تربیت‌بدنی و علوم ورزشی
خبره ۱۰	دکتری	۱۰ سال	عضو هیئت‌علمی	سیاست‌گذاری سلامت
خبره ۱۱	دکتری	۱۰ سال	عضو هیئت‌علمی	جامعه‌شناسی سیاسی
خبره ۱۲	دکتری	۱۵ سال	عضو هیئت‌علمی	مدیریت ورزشی
خبره ۱۳	دکتری	۱۲ سال	عضو هیئت‌علمی	مدیریت ورزشی
خبره ۱۴	دانشجوی دکتری	۱۵ سال	مدیر سازمانی	سیاست‌گذاری عمومی
خبره ۱۵	دانشجوی دکتری	۱۲ سال	مدیر سازمانی	مدیریت ورزشی
خبره ۱۶	دکتری	۵ سال	عضو هیئت‌علمی	سیاست‌گذاری عمومی
خبره ۱۷	دکتری	۷ سال	عضو هیئت‌علمی	سیاست‌گذاری سلامت

ابزار پژوهش پرسش‌نامه‌ای پژوهشگرساخته با ۲۳ سؤال بود که شامل ۲۳ مانع فقرزدایی ورزشی در کشور ایران بود که براساس مطالعه جامع منابع شناسایی شدند و پس از بررسی‌ها، در قالب روش دلفی این موانع شناسایی شدند. بدین منظور، ابتدا ۱۲ مانع در قالب بررسی مبانی نظری پژوهش

شناسایی شدند و سپس، با بررسی و انجام روش دلفی در مرحله اول، تعداد ۱۱ مانع دیگر از منظر خبرگان به موانع شناسایی شده اضافه شدند. این ۱۱ مانع از جمله موانعی هستند که از منظر خبرگان مربوط به شرایط و ویژگی‌های کشور ایران هستند. سپس، در مرحله دوم روش دلفی، در ۲۳ مانع شناسایی شده خبرگان اتفاق نظر داشتند و در نهایت، این ۲۳ مانع به عنوان موانع فقرزدایی ورزشی مشخص شدند؛ بنابراین، روش دلفی در پژوهش حاضر در دو مرحله انجام شد. بدین منظور، ابتدا پرسش‌نامه‌های پژوهش که شامل موانع شناسایی شده بودند، طراحی شدند و پس از بررسی پرسش‌نامه‌ها از حیث نوشتاری، این پرسش‌نامه‌ها برای خبرگان ارسال شدند و پس از اعمال نظر آنان، در نهایت، پرسش‌نامه حاوی موانع شناسایی شده، در مرحله دوم به خبرگان ارسال شد و این موانع از نظر آنان تأیید و نهایی شد.

در نهایت، موانع شناسایی شده در قالب پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته‌ای با توجه به روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری که به مقایسه دوه‌دوی موانع شناسایی شده می‌پردازد، بررسی شدند. روایی محتوایی این پرسش‌نامه با استفاده از نظرهای هفت تن از اساتید دانشگاهی بررسی شد. همچنین، در خصوص روایی محتوایی نیز با استفاده از فرم‌های روایی سنجی سی.وی.آی.<sup>۱</sup> و سی.وی.آر.<sup>۲</sup> تأیید شد. مقدار سی.وی.آر با توجه به تعداد اساتید (هفت نفر) برابر با ۰/۹۹ و مقدار سی.وی.آی برابر با ۰/۹۹ به دست آمد؛ بنابراین، روایی محتوایی ابزار ما تأیید شد. همچنین، روایی سازه پرسش‌نامه با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی بررسی شد. ابتدا برای بررسی کفایت حجم نمونه‌برداری از آزمون کفایت نمونه‌برداری کیزر-می-یر-الکین<sup>۳</sup> استفاده شد که میزان این آزمون ۰/۹۴۰ به دست آمد که نشانگر مناسب بودن میزان این آماره است. سپس، برای اینکه مشخص شود همبستگی بین مواد آزمون در جامعه برابر با صفر نیست، از آزمون بارتلت<sup>۴</sup> استفاده شد که نتایج این آزمون در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که در مجموع، پنج مانع (موانع مدیریتی، موانع فرهنگی، موانع انسانی، موانع حقوقی و قانونی و زیرساختی) ۷۵/۵۲۸ درصد از واریانس کل سؤال‌ها را در بر گرفتند. جدول شماره دو نتایج بارعاملی مربوط به هر مانع و دسته‌بندی موانع را نشان می‌دهد.

- 
1. CVI
  2. CVR
  3. KMO
  4. Bartlett's Test

جدول ۲- نتایج آزمون تحلیل عاملی اکتشافی

ردیف	موانع	مدیریتی	فرهنگی	زیروساختی	انسانی	موانع حقوقی-قانونی
۱	نبود ارزشهای مناسب در جهت بیان واقعیت‌های ورزشی در مناطق محروم کشور (مبلغ شماره ۱۸)	۰/۸۴۱				
۲	نبود پوشش مدیریتی توسط سازمان‌های ورزشی در همه مناطق محروم و فقیرنشین کشور (مبلغ شماره ۱۳)	۰/۸۱۲				
۳	تأثیر گذاری گروه‌های قدرت در جذب منابع دولتی در ورزش (مبلغ شماره ۸)	۰/۸۰۱				
۴	نبود قدرت سیاسی مناسب در مناطق محروم (مبلغ شماره ۹)	۰/۷۴۱				
۵	فعالیت‌ناداشتن سازمان‌های متولی ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین (مبلغ شماره ۲۲)	۰/۶۹۸				
۶	نظارت‌های نامناسب سازمان‌های حکومتی در حوزه ورزش مناطق محروم و فقیرنشین (مبلغ شماره ۲۰)	۰/۶۲۱				
۷	نوجواندانشان مدیران ارشد ورزشی کشور به عنوان توسعه دهنده ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور (مبلغ شماره ۱۷)	۰/۶۰۱				
۸	ارتباطات ضعف سازمان‌های متولی ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین با سازمان‌های ورزشی و غیرورزشی کشوری و استانی (مبلغ شماره ۴)	۰/۵۸۷				
۹	نبود پوشش رسانه‌ای مناسب در جهت مشخص کردن ضعف‌های ورزشی در مناطق محروم (مبلغ شماره ۵)	۰/۵۸۰				
۱۰	نبود ضرورت و دغدغه در جهت توسعه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور (مبلغ شماره ۱۲)	۰/۸۰۹				
۱۱	آگاهی پایین در خصوص ظرفیت بالا و استعدادهای ورزشی مناسب این مناطق در حوزه‌های مختلف ورزش (مبلغ شماره ۱۰)	۰/۷۷۶				
۱۲	نوجواندانشان خانواده‌ها به ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور (مبلغ شماره ۳)	۰/۶۶۰				
۱۳	ضعف فرهنگی در خصوص استفاده تمامی اقشار و گروه‌های حاضر در مناطق محروم و فقیرنشین (مبلغ شماره ۱۵)	۰/۶۳۸				
۱۴	نبود برنامه‌های آموزشی در حوزه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین (مبلغ شماره ۱۱)	۰/۶۱۱				
۱۵	فقدان توجه به تکمیل طرح‌های ورزشی مناطق محروم و فقیرنشین (مبلغ شماره ۲۴)	۰/۸۶۶				
۱۶	نبود عدالت در توزیع منابع مالی و انسانی در ورزش کشور (مبلغ شماره ۲۱)	۰/۷۱۴				
۱۷	فقدان توجه به زیرساخت‌های مناطق محروم کشور در طراحی برنامه‌های توسعه ورزش (مبلغ شماره ۲)	۰/۶۳۹				
۱۸	وجود تغییرات طبیعی و جغرافیایی در برخی مناطق محروم و ایجاد برخی معضلات طبیعی در این مناطق (مبلغ شماره ۷)	۰/۵۷۴				
۱۹	نبود واحدهای صنعتی و تولیدی در جهت حمایت از ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور (مبلغ شماره ۱۶)	۰/۵۷۰				
۲۰	استفاده از مدیران غیربومی در ساختار ورزش مناطق محروم و فقیرنشین (مبلغ شماره ۶)	۰/۷۷۳				
۲۱	نبود افراد متخصص در مناطق محروم و فقیرنشین در حوزه ورزش (مبلغ شماره ۱)	۰/۶۱۷				
۲۲	فقدان قوانین حمایتی ویژه توسعه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور (مبلغ شماره ۱۴)	۰/۷۹۹				
۲۳	ابهام و نامشخص بودن ساختار ورزش در مناطق محروم و روستایی (مبلغ شماره ۱۹)	۰/۷۴۰				

پایایی این پرسش‌نامه نیز با استفاده از محاسبه میزان بازآزمایی تأیید شد. همان‌طور که ذکر شد، برای انجام این پژوهش از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری استفاده شده است. این روش یک فرایند یادگیری تعاملی است که در آن مجموعه‌ای از عناصر مختلف و بهم‌مرتبط در یک مدل نظام‌مند جامع ساختاردهی می‌شوند (وارفیلد<sup>۱</sup>، ۱۹۷۴، ۵۳). این روش به ایجاد و جهت‌دادن به روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم کمک می‌کند (فایسال<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶، ۵۳۵). یکی از اصلی‌ترین منطقی‌های این روش آن است که همواره عناصری که در یک سیستم اثرگذاری بیشتری بر سایر عناصر دارند، از اهمیت بیشتری برخوردارند. مدلی که با استفاده از این روش شناختی به دست می‌آید، ساختاری از یک مسئله یا موضوع پیچیده، یک سیستم یا حوزه مطالعاتی را نشان می‌دهد که الگویی بادقت طراحی شده است (فایسال، ۲۰۰۶، ۵۳۶)؛ در نتیجه، می‌توانیم بگوییم که مدل‌سازی ساختاری تفسیری نه تنها بینشی را در خصوص روابط میان عناصر مختلف یک سیستم فراهم می‌کند، بلکه ساختاری را مبتنی بر اهمیت و تأثیرگذاری عناصر بر هم (بسته به نوع رابطه محتوایی تعریف شده) فراهم می‌کند و نمایشی تصویری را به نمایش می‌گذارد. این روش تفسیری است؛ زیرا، قضاوت گروهی از افراد تعیین می‌کند که آیا روابطی میان این عناصر وجود دارد یا خیر. این روش ساختاری است؛ زیرا، اساس روابط یک ساختار سرتاسری است که از مجموعه پیچیده‌ای از متغیرها استخراج شده است (ناوران، ۱۳۹۱، ۹۵). ایده اصلی مدل‌سازی ساختاری تفسیری تجزیه یک سیستم پیچیده به چند زیرسیستم (عناصر) با استفاده از تجربه عملی و دانش خبرگان با هدف ساخت یک مدل ساختاری چندسطحی است (ابراهیمی، ۱۳۹۳، ۸۵). این مدل دارای چهار گام است.

### گام اول - ایجاد ماتریس خودتعاملی ساختاری

برای تهیه ماتریس خودتعاملی ساختاری لازم است وابستگی تمام عناصر شناسایی شده (منظور از عناصر در این گام، موانع شناسایی شده است که در پژوهش حاضر ۲۳ مانع در مسیر فقرزدایی ورزشی در کشور ایران شناسایی شدند)، به صورت دوجه‌دو بررسی شوند. بدین منظور، از چهار نماد به شرح زیر استفاده می‌شود:

V: اگر معیار i فقط بر معیار z تأثیر می‌گذارد؛

X: اگر هم معیار i و z و هم معیار z بر معیار i تأثیر می‌گذارد؛

A: اگر فقط معیار z بر معیار i تأثیر می‌گذارد؛

O: اگر هیچ رابطه تأثیرگذاری میان دو معیار i و z وجود ندارد.

1. Warfield  
2. Faysal

**گام دوم - به دست آوردن ماتریس دستیابی**

برای به دست آوردن ماتریس دستیابی باید نمادهای بالا به صفر و یک تبدیل شوند. برحسب قواعد زیر می توان به ماتریس مورد نظر دست پیدا کرد.

- در صورتی که ورودی (i, j) (محل برخورد ستون سطر i و ستون j) در ماتریس خودتعاملی ساختاری V باشد، در ورودی (i, j) در ماتریس دسترس پذیری یک و در ورودی (j, i) صفر قرار داده می شود؛
- در صورتی که ورودی (i, j) (محل برخورد ستون سطر i و ستون j) در ماتریس خودتعاملی ساختاری A باشد، در ورودی (i, j) در ماتریس دسترس پذیری صفر و در ورودی (j, i) یک قرار داده می شود؛
- در صورتی که ورودی (i, j) (محل برخورد ستون سطر i و ستون j) در ماتریس خودتعاملی ساختاری X باشد، در ورودی (i, j) در ماتریس دسترس پذیری یک و در ورودی (j, i) یک قرار داده می شود؛
- در صورتی که ورودی (i, j) (محل برخورد ستون سطر i و ستون j) در ماتریس خودتعاملی ساختاری O باشد، در ورودی (i, j) در ماتریس دسترس پذیری صفر و در ورودی (j, i) صفر قرار داده می شود.

پس از به دست آوردن ماتریس دستیابی اولیه، با در نظر گرفتن خاصیت انتقال پذیری اگر (i و j) با هم در ارتباط باشد و نیز (k و j) با هم رابطه داشته باشند، آن گاه (i و k) با هم در ارتباط هستند و ماتریس دستیابی نهایی به دست می آید.

**گام سوم - تعیین سطح و ماتریس استاندارد**

برای تعیین سطح، با استفاده از ماتریس دستیابی مجموعه قابل دستیابی (خروجی) و مجموعه پیش نیاز (ورودی) برای هر متغیر تعیین می شود. مجموعه خروجی هر متغیر شامل متغیرهایی می شود که از طریق این متغیر می توان به آن ها رسید و مجموعه پیش نیاز شامل متغیرهایی می شود که از طریق آن ها می توان به این متغیر رسید. پس از تعیین مجموعه خروجی و پیش نیاز برای هر متغیر، عناصر مشترک در دو مجموعه ورودی و خروجی برای هر متغیر شناسایی می شوند. در اولین جدول، تکرار متغیری دارای بالاترین سطح است که مجموعه خروجی و عناصر مشترک آن کاملاً یکسان باشند. پس از تعیین این متغیرها آن ها را از جدول حذف می کنیم و با بقیه متغیرهای باقی مانده جدول بعدی را تشکیل می دهیم. در جدول دوم نیز همانند جدول اول متغیر سطح دوم را مشخص می کنیم و این کار را تا تعیین سطح همه متغیرها ادامه می دهیم. سپس، ماتریس استاندارد را تشکیل می دهیم که با مرتب کردن عناصر با توجه به سطوح خود به دست می آید.

### گام چهارم - تشکیل مدل ساختاری تفسیری

با توجه به سطوح هریک از معیارها و همچنین، ماتریس دستیابی نهایی، مدل ساختاری تفسیری رسم می‌شود (ناوران، ۱۳۹۱، ۹۶).

### گام پنجم - تحلیل میک مک<sup>۱</sup>

در نهایت، در آخرین گام با انجام تحلیل میک مک موانع شناسایی شده به چهار دسته متغیرهای پیوندی، متغیرهای وابسته، متغیرهای مستقل کلیدی و متغیرهای مستقل خودمختار تقسیم خواهند شد (ناوران، ۱۳۹۱، ۹۷). تمامی روند تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در نرم افزارهای اس.پی.اس.اس<sup>۲</sup> و می مک انجام شد.

### نتایج

پس از بررسی نظرهای نمونه‌های پژوهش با استفاده از روش دلفی، مطالعه ادبیات حوزه فقرزدایی در ورزش، مسائل مربوط به مناطق محروم و همچنین، بررسی پژوهش‌های انجام شده درباره موانع موجود در مسیر فقرزدایی در ورزش، موانع اصلی حوزه فقرزدایی ورزشی در کشور ایران در ورزش شناسایی شدند. لازم است ذکر شود این موانع پس از شناسایی اولیه و بررسی توسط تیم خبرگان اصلاح شدند و به تأیید نهایی رسیدند. این موانع به عنوان معیارها و عناصر مدنظر در مرحله اول روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری استفاده شدند. در ادامه پژوهش برای انجام روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، از ایجاد ماتریس خودتعاملی ساختاری استفاده شد.

---

1. MicMac  
2. SPSS

جدول ۳- ماتریس خودتعاملی ساختاری

موانع	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	
۱	V																							
۲	V	V																						
۳	O	O	O																					
۴	V	V	V	V																				
۵	V	V	V	V	V																			
۶	V	V	V	O	V	A	V	X	O	O	O	V	V	V	V	X								
۷	O	O	O	O	V	O	O	V	V	O	O	O	V	O	O									
۸	V	V	V	A	V	A	A	A	A	A	A	A	A	A	V									
۹	V	V	V	O	V	A	A	A	A	A	A	O	A											
۱۰	V	V	V	X	V	V	A	A	O	O	X	V	A											
۱۱	O	O	O	O	V	O	V	V	A	O	V	O												
۱۲	V	V	V	V	V	O	O	A	O	O	A													
۱۳	V	V	V	O	V	O	A	A	O	V														
۱۴	V	V	V	A	V	O	A	O	O															
۱۵	O	O	O	O	V	O	O	V																
۱۶	O	O	O	V	V	V	V																	
۱۷	V	V	V	V	V	V																		
۱۸	V	V	V	O	V																			
۱۹	V	V	V	O																				
۲۰	O	O	O																					
۲۱	X	X																						
۲۲	X																							
۲۳																								

در ادامه پژوهش، ماتریس دسترسی نهایی مطابق با روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری به دست آمد. نتایج این ماتریس در جدول شماره چهار به نمایش گذاشته است. جدول شماره چهار ماتریس نهایی را نشان می‌دهد. در این ماتریس، علائم صفر و یک پس از نوع روابط میان موانع تبیین شدند و پس از اصلاحات انجام شده براساس روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، برخی از این اعداد تغییر یافتند که این مورد با علامت \* ۱ مشخص شد.

جدول ۴- ماتریس دسترسی نهایی

موانع	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	نمود
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲۳
۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۵
۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲۳
۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۷
۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲۳
۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲۳
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲۳
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۹
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۷
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲۳
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲۳
۱۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲۳
۱۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۳
۱۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۰
۱۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲۳
۱۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲۳
۱۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲۳
۱۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۱
۱۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۴
۲۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۷
۲۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳
۲۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳
۲۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳
وابستگی	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۷

جدول شماره پنچ سطح مربوط به هر یک از موانع را نشان می‌دهد که سطح‌بندی‌های انجام‌شده براساس خروجی‌ها و ورودی‌های انجام‌شده هستند.

جدول ۵- تعیین سطح موانع شناسایی‌شده

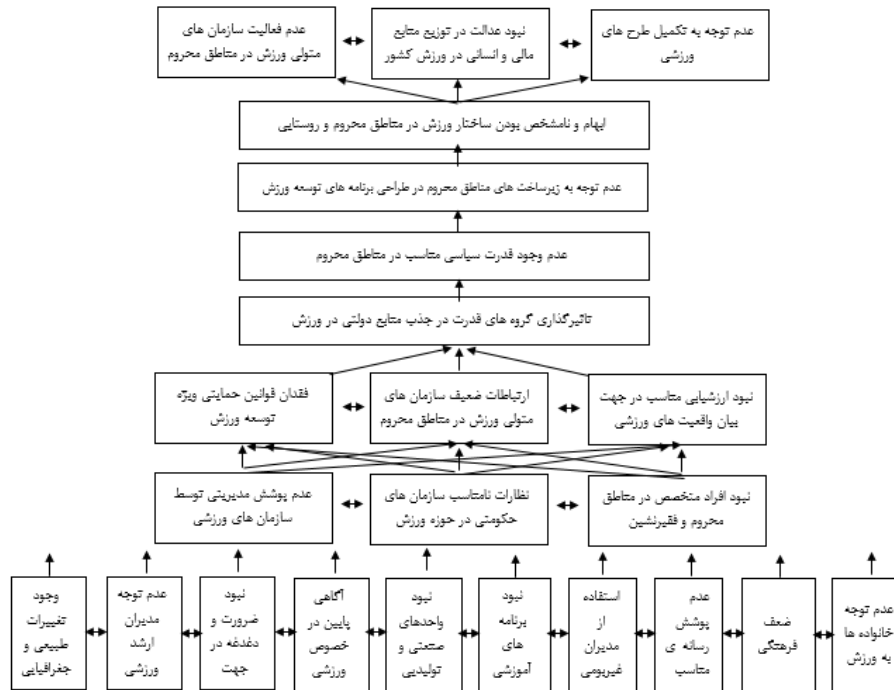
سطح	موانع
۱	نبود افراد متخصص در مناطق محروم و فقیرنشین در حوزه ورزش
۲	نبود توجه به زیرساخت‌های مناطق محروم کشور در طراحی برنامه‌های توسعه ورزش
۳	توجه‌نداشتن خانواده‌ها به ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور
۴	ارتباطات ضعیف سازمان‌های متولی ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین با سازمان‌های ورزشی و غیرورزشی کشوری و استانی
۵	نبود پوشش رسانه‌ای مناسب برای مشخص کردن ضعف‌های ورزشی در مناطق محروم
۶	استفاده از مدیران غیربومی در ساختار ورزش مناطق محروم و فقیرنشین
۷	وجود تغییرات طبیعی و جغرافیایی در برخی مناطق محروم و ایجاد برخی معضلات طبیعی در این مناطق

ادامه جدول ۵- تعیین سطح موانع شناسایی شده

سطح	موانع
۵	۸ تأثیرگذاری گروه‌های قدرت در جذب منابع دولتی در ورزش
۴	۹ نبود قدرت سیاسی مناسب در مناطق محروم
۸	۱۰ آگاهی کم در خصوص ظرفیت بالا و استعدادهای ورزشی مناسب این مناطق در حوزه‌های مختلف ورزش
۸	۱۱ نبود برنامه‌های آموزشی در حوزه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین
۸	۱۲ نبود ضرورت و دغدغه در جهت توسعه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور
۷	۱۳ نبود پوشش مدیریتی توسط سازمان‌های ورزشی در همه مناطق محروم و فقیرنشین کشور
۶	۱۴ فقدان قوانین حمایتی ویژه توسعه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور
۸	۱۵ ضعف فرهنگی در خصوص استفاده تمامی اقشار و گروه‌های حاضر در مناطق محروم و فقیرنشین
۸	۱۶ نبود واحدهای صنعتی و تولیدی در جهت حمایت از ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور
۸	۱۷ توجه‌نداشتن مدیران ارشد ورزشی کشور به مقوله توسعه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور
۶	۱۸ نبود ارزشیابی مناسب در جهت بیان واقعیت‌های ورزشی در مناطق محروم کشور
۲	۱۹ ابهام و نامشخص بودن ساختار ورزش در مناطق محروم و روستایی
۷	۲۰ نظارت‌های نامناسب سازمان‌های حکومتی در حوزه ورزش مناطق محروم و فقیرنشین
۱	۲۱ نبود عدالت در توزیع منابع مالی و انسانی در ورزش کشور
۱	۲۲ نبود فعالیت سازمان‌های متولی ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین
۱	۲۳ فقدان توجه به تکمیل طرح‌های ورزشی مناطق محروم و فقیرنشین

با توجه به نتایج جدول شماره پنج مشخص شد که در پژوهش حاضر هشت سطح کلی وجود دارند که این سطوح در قالب مدل در شکل شماره یک به نمایش گذاشته شده است.

تحلیل موانع فقرزدایی ورزشی در ایران



شکل ۱- مدل ساختاری تفسیری موانع فقرزدایی ورزشی

تحلیل میکمک

در این مرحله، با استفاده از نرم افزار میکمک نوع متغیرها با توجه به اثرگذاری و اثرپذیری بر سایر متغیرها مشخص خواهد شد و پس از تعیین قدرت نفوذ یا اثرگذاری و قدرت وابستگی موانع می توان تمامی موانع شناسایی شده را در یکی از خوشه های چهارگانه روش ماتریس اثر متغیرها، در چهار گروه طبقه بندی کرد. اولین گروه شامل متغیرهای مستقل (خودمختار) می شود که قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی دارند. این متغیرها تاحدودی از سایر متغیرها مجزا هستند و ارتباطات کمی دارند. گروه دوم متغیرهای وابسته هستند که از قدرت نفوذ ضعیف، اما وابستگی زیادی برخوردارند. گروه سوم متغیرهای پیوندی هستند که از قدرت نفوذ و وابستگی زیادی برخوردارند. در واقع، هرگونه عملی بر روی این متغیرها باعث تغییر در سایر متغیرها می شود. گروه چهارم متغیرهای مستقل (کلیدی) را در برمی گیرد. این متغیرها دارای قدرت نفوذ زیاد و وابستگی کمی هستند. شکل شماره دو تحلیل میکمک را نشان می دهد.



پرداخته شده است. این مسئله ناشی از مطالعات جامع در این حوزه است. آدوم و همکاران (۲۰۱۶) اشاره کردند که موانع فرهنگی، موانع مدیریتی و موانع زیرساختی از جمله مشکلات در مسیر توسعه و گسترش ورزش در محله‌ها و مناطق هستند. همچنین، فریدمن و همکاران (۲۰۰۴) اشاره کردند که موانع مدیریتی و موانع حقوقی از جمله موانع موجود در مسئله فقرزدایی ورزشی هستند؛ با این وجود، موانع موجود در فقرزدایی ورزشی در محیط‌های مختلف تفاوت‌های محسوسی دارد. گیرگینوو و هیلز (۲۰۰۸) مشخص کردند که در محیط‌های مختلف، فقرزدایی ورزشی شرایط متفاوتی دارد. آنان بیان کردند که نبود رویدادهای بزرگ ورزشی و مسائل فرهنگی از جمله موانع مهم در مسیر توسعه ورزش در تمامی محلات و مناطق شهر لندن هستند؛ از این رو، با توجه به نتایج پژوهش حاضر مشخص شد که در شرایط فعلی کشور، موانع گسترده‌ای در حوزه‌های مدیریتی، فرهنگی، زیرساختی، قانونی-حقوقی و انسانی در توسعه فقرزدایی ورزشی وجود دارد. این مسئله نشان‌دهنده مشکلات بسیار در زمینه فقرزدایی ورزشی در کشور است که این مشکلات در تمامی ابعاد و حوزه‌ها نمود کرده‌اند و سبب ایجاد محدودیت در جهت فقرزدایی ورزشی شده‌اند.

در پژوهش حاضر، علاوه بر شناسایی موانع فقرزدایی در ورزش به تحلیل این موانع و در نهایت، رسم مدل ساختاری این موانع در خصوص فقرزدایی ورزشی در کشور ایران پرداخته شد. در این پژوهش، ۲۳ مانع در خصوص فقرزدایی در ورزش شناسایی شدند. با بررسی‌های انجام‌شده، پژوهشی که به صورت جامع و ساختارمند به بررسی موانع در حوزه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین و همچنین، به بررسی موانع گسترش فقرزدایی ورزشی پرداخته باشد، یافت نشد. برخی پژوهش‌ها به این موانع اشاره کوتاهی داشتند؛ اما بررسی‌های جامع در این حوزه که به شناسایی موانع فقرزدایی ورزشی پرداخته باشند، یافت نشد. الاوای و همکاران (۲۰۰۷) موانع تجهیزاتی را جزو موانع ضروری در توسعه ورزش در مناطق محروم مشخص کردند؛ اما در پژوهش حاضر این مانع به عنوان موانع فقرزدایی ورزشی در کشور مشخص نشد؛ از این رو، می‌توان بیان کرد که نتایج پژوهش حاضر در خصوص شناسایی موانع فقرزدایی ورزشی با نتایج پژوهش الاوای و همکاران (۲۰۰۷) ناهم‌خوان است. در تفسیر علل وجود این ناهم‌خوانی لازم است ذکر شود که برآیند فقر در ورزش سبب نبود تجهیزات و برنامه‌های ورزشی است؛ بنابراین، در پژوهش حاضر این مسئله به عنوان یکی از مسائل نشأت گرفته‌شده از فقر ورزشی در کشور مشخص شد.

نتایج پژوهش حاضر مشخص کرد که مانع توجه‌نداشتن خانواده‌ها به ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور، نبود ارزشیابی مناسب در جهت بیان واقعیت‌های ورزشی در مناطق محروم کشور، نبود پوشش رسانه‌ای مناسب برای مشخص کردن ضعف‌های ورزشی در مناطق محروم، استفاده از مدیران غیربومی در ساختار ورزش مناطق محروم و فقیرنشین و نبود افراد متخصص در مناطق

محروم و فقیرنشین در حوزه ورزش، از جمله موانع کلیدی و زیربنایی در شکل‌گیری فقر ورزشی در مناطق محروم و فقیرنشین کشور هستند. این مسئله در پژوهش‌های نوگورا و همکاران (۲۰۱۶) و کرامر و همکاران (۲۰۱۷) تأیید شده بود؛ از این‌رو، می‌توان نتایج پژوهش حاضر را با نتایج پژوهش‌های نوگورا و همکاران (۲۰۱۶) و کرامر و همکاران (۲۰۱۷) هم‌خوان تلقی کرد. نتایج پژوهش حاضر به خوبی مشخص کرد که وجود موانعی از جمله توجه‌نداشتن خانواده‌ها به ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور، نبود ارزشیابی مناسب در جهت بیان واقعیت‌های ورزشی در مناطق محروم کشور، نبود پوشش رسانه‌ای مناسب در جهت مشخص کردن ضعف‌های ورزشی در مناطق محروم، استفاده از مدیران غیربومی در ساختار ورزش مناطق محروم و فقیرنشین و نبود افراد متخصص در مناطق محروم و فقیرنشین در حوزه ورزش سبب می‌شوند تا شروع محرومیت‌های ورزشی در مناطق محروم و فقیرنشین شکل گیرد و این مسئله سبب شود تا فقر ورزشی در این مناطق به وجود آید. بدین‌صورت باید اظهار کرد که این موانع به‌عنوان موانع کلیدی سبب بروز مشکلات بی‌شماری در این حوزه می‌شوند. توجه‌نداشتن خانواده‌ها و نبود پوشش رسانه‌ای در کنار نبود ارزشیابی‌های مناسب در حوزه ورزش در این مناطق، سبب می‌شوند تا موانع دیگری از جمله نبود ضرورت و دغدغه در جهت توسعه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور و آگاهی کم در خصوص ظرفیت بالا و استعدادهای ورزشی مناسب این مناطق در حوزه‌های مختلف ورزش به وجود آیند.

این مسئله سبب می‌شود تا اهمیت توجه به ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور به پایین‌ترین حد خود برسد. گیرگینوو و هیلز (۲۰۰۸) اشاره کردند که درک‌نکردن ضرورت توسعه ورزش در مناطق محروم و همچنین، از بین بردن فقر ورزشی سبب می‌شود تا افراد برخی مناطق از ورزش به دور باشند. این مسئله نیز در پژوهش حاضر به خوبی مشخص شد که وجود موانعی از جمله نبود ضرورت و دغدغه در جهت توسعه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور و آگاهی کم در خصوص ظرفیت بالا و استعدادهای ورزشی مناسب این مناطق در حوزه‌های مختلف ورزش سبب شکل‌گیری آسیب‌های جدی از جمله فقدان قوانین حمایتی ویژه توسعه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور، توجه‌نداشتن مدیران ارشد ورزشی کشور به مقوله توسعه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور، نبود پوشش مدیریتی توسط سازمان‌های ورزشی در همه مناطق محروم و فقیرنشین کشور و نظارت‌های نامناسب سازمان‌های حکومتی در حوزه ورزش مناطق محروم و فقیرنشین می‌شود. این مسئله می‌تواند بحران ورزشی را در مناطق محروم و فقیرنشین حادتر کند و به‌نوعی در توسعه فقر ورزشی به شکل بسیار مشخص‌شده‌ای مؤثر باشد. به این مسئله در پژوهش وان میدلکوپ و همکاران (۲۰۱۷) اشاره شده بود؛ از این‌رو، نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش وان

میدلکوپ و همکاران (۲۰۱۷) هم‌خوانی دارد. وجود مشکلات مدیریتی از جمله پوشش مدیریتی در مناطق محروم سبب می‌شود تا در ارتباط با قوانین حمایتی در خصوص ورزش در مناطق نیازمند توسعه مشکلات بسیاری به‌وجود آید و افزون‌براین، نظارت‌های نامناسب در امر ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور به‌وجود آیند. این مسئله، خود پایه‌گذار موانع بی‌شمار بسیاری از جمله نبود قدرت سیاسی مناسب در مناطق محروم و تأثیرگذاری گروه‌های قدرت در جذب منابع دولتی در ورزش می‌شود. این موانع و مشکلات جزء جدانشدنی هر جامعه‌ای هستند و همیشه قدرت‌های سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای در برنامه‌ریزی‌ها در هر حوزه و در هر کشوری دارند؛ اما در ارتباط با ورزش، تأثیرگذاری‌های قدرت‌های سیاسی سبب می‌شوند تا نه تنها توسعه ورزش در مناطق و افراد نیازمند بیشتر شود، بلکه سبب کاهش منابع در این حوزه شود و به‌طور کلی، ورزش مناطق محروم و فقیرنشین را مختل کند. توجه به موفقیت‌های کوتاه‌مدت مدیران ورزشی در کشور سبب شده است تا آنان بیشتر تمرکز مدیریتی خود را در آبادکردن ورزش در مناطق شهری و پرجمعیت بگذارند و سایر مناطق را در اولویت کاری خود قرار ندهند.

نتایج تحلیل میک‌مک نشان داد که هیچ‌یک از موانع در دسته متغیرهای مستقل و خودمختار قرار نداشتند. این مسئله نشان‌دهنده اطلاعات جالبی در خصوص موانع فقرزدایی ورزشی در کشور است؛ به‌طوری‌که موانع موجود در حوزه فقرزدایی ورزشی به‌صورت خودمختار اعمال نفوذ نمی‌کنند. فریدمن و همکاران (۲۰۰۴) بیان کردند که موانع حاضر در حوزه فقرزدایی ورزشی بر یکدیگر اثرهای متقابل دارند. این مسئله نشان‌دهنده این امر مهم است که روند شکل‌گیری فقرزدایی در ورزش به‌نوعی متأثر از مجموعه‌ای اتفاقات است که این مسئله به‌صورت فرایندی سبب شکل‌گیری فقرزدایی در ورزش می‌شود. همچنین، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که موانع نبود توجه به زیرساخت‌های مناطق محروم کشور در طراحی برنامه‌های توسعه ورزش، تأثیرگذاری گروه‌های قدرت در جذب منابع دولتی در ورزش، نبود قدرت سیاسی مناسب در مناطق محروم، فقدان قوانین حمایتی ویژه توسعه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور، نبود ارزشیابی مناسب در جهت بیان واقعیت‌های ورزشی در مناطق محروم کشور، ابهام و نامشخص بودن ساختار ورزش در مناطق محروم و روستایی، نظارت‌های نامناسب سازمان‌های حکومتی در حوزه ورزش مناطق محروم و فقیرنشین، نبود عدالت در توزیع منابع مالی و انسانی در ورزش کشور، نبود فعالیت سازمان‌های متولی ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین و توجه‌نداشتن به تکمیل طرح‌های ورزشی مناطق محروم و فقیرنشین، از جمله متغیرهای وابسته هستند که شکل‌گیری این موانع تحت‌تأثیر سایر موانع هستند. تمامی این مسئله در پژوهش‌ها مورد بحث قرار نگرفته است؛ اما رید (۲۰۱۷) اشاره کرده است که توجه‌نداشتن به فقرزدایی ورزشی خود دلیلی بر برهم‌خوردن تعادل قدرت سیاسی در

مناطق محروم است. کوهن و همکاران (۲۰۱۲) نیز مشخص کردند که فقدان برنامه‌ریزی در خصوص رفع محرومیت در ورزش سبب شکل‌گیری نظارت‌های نامناسب در حوزه ورزش در مناطق محروم می‌شود. همچنین، برخی موانع از جمله نبود فعالیت سازمان‌های متولی ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین و نبود توجه به تکمیل طرح‌های ورزشی مناطق محروم و فقیرنشین، از جمله موانع شناسایی شده در روش دلفی بودند که مشخص شد به‌عنوان متغیرهای وابسته تحت‌تأثیر سایر موانع قرار می‌گیرند. همچنین، نتایج نشان داد که نبود افراد متخصص در مناطق محروم و فقیرنشین در حوزه ورزش، ارتباطات ضعیف سازمان‌های متولی ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین با سازمان‌های ورزشی و غیرورزشی کشوری و استانی، نبود پوشش رسانه‌ای مناسب در جهت مشخص کردن ضعف‌های ورزشی در مناطق محروم، استفاده از مدیران غیربومی در ساختار ورزش مناطق محروم و فقیرنشین، آگاهی کم در خصوص ظرفیت بالا و استعدادهای ورزشی مناسب این مناطق در حوزه‌های مختلف ورزش، نبود ضرورت و دغدغه در جهت توسعه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور و نبود پوشش مدیریتی توسط سازمان‌های ورزشی در همه مناطق محروم و فقیرنشین کشور، از جمله متغیرهای پیوندی هستند. تغییر در این موانع سبب تأثیرگذاری بر سایر موانع می‌شود. واندرمرسچن و همکاران (۲۰۱۷) اشاره کردند که نبود افراد متخصص سبب می‌شود مشکلات بسیاری در حوزه فقرزدایی به‌وجود آیند. کرامر و همکاران (۲۰۱۷) بیان کردند که نبود پوشش رسانه‌ای سبب می‌شود تا سایر موانع در حوزه فقرزدایی به‌وجود آیند. آنان اشاره داشتند که این مسئله خود ناشی از سوءمدیریت در مناطق محروم و فقیرنشین است؛ از این رو، می‌توان چنین گفت که نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات واندرمرسچن و همکاران (۲۰۱۷) و کرامر و همکاران (۲۰۱۷) هم‌خوانی دارد.

افزون‌براین، پژوهش حاضر مشخص کرد که برخی موانع از جمله توجه‌نداشتن خانواده‌ها به ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور، وجود تغییرات طبیعی و جغرافیایی در برخی مناطق محروم و ایجاد برخی معضلات طبیعی در این مناطق، نبود برنامه‌های آموزشی در حوزه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین، ضعف فرهنگی در خصوص استفاده تمامی اقشار و گروه‌های حاضر در مناطق محروم و فقیرنشین، نبود واحدهای صنعتی و تولیدی در جهت حمایت از ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور و توجه‌نداشتن مدیران ارشد ورزشی کشور به مقوله توسعه ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور، در گروه متغیرهای مستقل اصلی مشخص شدند که سبب ایجاد و شکل‌گیری سایر موانع می‌شوند. هودگی و همکاران (۲۰۱۷) بیان کردند که توجه‌نداشتن خانواده‌ها به ورزش، خود مانعی کلیدی در حوزه فقرزدایی ورزشی است که سبب شکل‌گیری سایر موانع

می‌شود. هائودنیهوسی<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) نیز مطرح کرد که توجه‌نداشتن مدیران به مقوله توسعه ورزش در مناطق محروم سبب می‌شود تا خود، سایر موانع در این حوزه را تشکیل دهد؛ از این رو، می‌توان چنین گفت که نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات هودگی و همکاران (۲۰۱۷) و هائودنیهوسی (۲۰۱۸) هم‌خوان است. به نظر می‌رسد که برنامه‌ریزی‌های بلندمدت در خصوص مدیریت فقرزدایی در ورزش کشور، نیازمند توجه به این موانع به‌عنوان موانع مهم و اثرگذار هستند. موانع مستقل کلیدی در این حوزه سبب شده‌اند تا در روند برخی موانع دیگر تأثیرگذار باشند و خود به بدتر شدن وضعیت فقرزدایی ورزشی در کشور کمک کند.

به نظر می‌رسد در مسیر فقرزدایی ورزشی در کشور، برخی موانع از دل موانع موجود شکل می‌گیرند. این مسئله سبب می‌شود تا گذر زمان وضعیت موانع فقرزدایی ورزشی را تشدید کند و این مسئله به بروز سایر موانع منجر شود؛ از این رو، بررسی موانع اولیه در مسیر فقرزدایی ورزشی سبب می‌شود تا در وضعیت معمول از بروز بحران‌های بیشتر در این حوزه جلوگیری شود؛ بنابراین، توجه به موانع کلیدی در این حوزه در بدبینانه‌ترین حالت فقر ورزشی را در وضعیت فعلی ساکن نگه می‌دارد و در وضعیت خوش‌بینانه سبب رفع سایر موانع در مسیر فقرزدایی ورزشی می‌شود. با توجه به نتایج پژوهش حاضر، برای توسعه فقرزدایی ورزشی در کشور پیشنهاد می‌شود با پوشش رسانه‌ای مناسب از وضعیت موجود ورزشی در این مناطق، واقعیت‌های ورزشی بسیاری از مناطق کشور رسانه‌ای شود تا از این طریق ضرورت توسعه ورزش در این مناطق به گوش همگان برسد. افزون‌براین، با تقویت مسائل فرهنگی در کشور و به‌خصوص در مناطق محروم کشور می‌توان انتظار داشت که افراد حاضر در این مناطق و کسانی که فقر ورزشی دارند، به‌خوبی شرایط خود را درک کنند و تلاش‌هایی در جهت برون‌رفت از وضعیت ساکن ورزشی خود داشته باشند. همچنین، با پرورش و استفاده از مدیران بومی در ورزش مناطق محروم می‌توان دلسوزی مدیران ورزشی این مناطق را به‌حداکثر رساند. همچنین، با تغییر در ساختار ورزشی در مناطق روستایی و محروم کشور و حتی ایجاد مراکز توسعه ورزش در این مناطق، برای بهبود نظارت‌ها و ارزشیابی‌ها در این حوزه سعی شود. همچنین، با ایجاد کارگروه‌های تخصصی برای بررسی وضعیت ورزشی در این مناطق می‌توان برنامه‌ریزی در جهت توسعه ورزش در کشور و رفع فقرزدایی ورزشی در کشور را سرعت بخشید.

در زمینه ورزش و فواید آن پژوهش‌های بسیاری انجام شده‌اند و از کارکردهای آن در تمامی سطوح افراد اطلاعات کافی در دسترس است. افزون‌براین، اهمیت وجود عدالت در توزیع منابع نیز به‌خوبی بررسی شده است. این در حالی است که لزوم عدالت در توزیع منابع و برنامه‌ها بیشتر در سازمان‌های ورزشی بررسی شده بود و در حوزه ورزش و ابعاد مختلف آن در جامعه، پژوهش‌هایی انجام نشده‌اند.

---

1. Haudenhuyse

پژوهش حاضر علاوه بر بررسی فقرزدایی در ورزش و موانع شکل‌گیری آن در کشور سبب شد تا شواهد علمی در خصوص فقرزدایی در ورزش کشور وجود داشته باشد. افزون‌براین، علاوه بر استفاده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری، برای دسته‌بندی و ایجاد رتبه‌بندی در خصوص موانع شناسایی شده سعی شد. در نهایت، پژوهش حاضر به خوبی مشخص کرد که مانع توجه‌نداشتن خانواده‌ها به ورزش در مناطق محروم و فقیرنشین کشور، نبود ارزشیابی مناسب در جهت بیان واقعیت‌های ورزشی در مناطق محروم کشور، نبود پوشش رسانه‌ای مناسب در جهت مشخص کردن ضعف‌های ورزشی در مناطق محروم، استفاده از مدیران غیربومی در ساختار ورزش مناطق محروم و فقیرنشین و نبود افراد متخصص در مناطق محروم و فقیرنشین در حوزه ورزش، از جمله موانع کلیدی و زیربنایی در شکل‌گیری فقر ورزشی در مناطق محروم و فقیرنشین کشور محسوب می‌شوند.

### منابع

1. Adom, N. A. A., De Coning, C., Bitugu, B. B., & Keim, M. (2016). Trends and tendencies in the facilitation and training of sport and development programmes for the youth: Lessons of experience from African cases: Sport for development. *African Journal for Physical Activity and Health Sciences*, 22(32), 908-19.
2. Chapin, T. S. (2004). Sports facilities as urban redevelopment catalysts: Baltimore's Camden Yards and Cleveland's Gateway. *Journal of the American Planning Association*, 70(2), 193-209.
3. Coalter, F., Allison, M., & Taylor, J. (2000). The role of sport in regenerating deprived urban areas. University of Edinburgh publisher, 55.
4. Cohen, D. A., Han, B., Derose, K. P., Williamson, S., Marsh, T., Rudick, J., & McKenzie, T. L. (2012). Neighborhood poverty, park use, and park-based physical activity in a Southern California city. *Social Science & Medicine*, 75(12), 2317-25.
5. Darnell, S. C. (2010). Power, politics and sport for development and peace: Investigating the utility of sport for international development. *Sociology of sport journal*, 27(1), 54-75.
6. Darnell, S. (2016). Sport as a means of advancing international development. *UN Chronicle*, 53(2), 27-9.
7. De Grace, L. A., Knight, C. J., Rodgers, W. M., & Clark, A. M. (2017). Exploring the role of sport in the development of substance addiction. *Psychology of Sport and Exercise*, 28, 46-57.
8. Ebrahimi, k. (2016). Designing a model for assessing the quality of e-government services with a combined approach to ISM and DEMATEL (A case study: Government office of the Islamic Republic of Iran) (Master's thesis). Imam Sadiq University, Tehran. (Persian).
9. Ellaway, A., Kirk, A., Macintyre, S., & Mutrie, N. (2007). Nowhere to play? The relationship between the location of outdoor play areas and deprivation in Glasgow. *Health & Place*, 13(2), 557-61.

10. Faisal, M., Banwet, D. K. & Shankar, R. (2006). Supply chain risk mitigation: Modelling the enablers, *Business Process Management*, 12(4), 535-52.
11. Fontes, P., Fontes, P. R. R., & De Hollanda, B. B. (Eds.). (2014). *The country of football: Politics, popular culture and the beautiful game in Brazil*. Hurst & Company Limited, 104.
12. Friedman, M. T., Andrews, D. L., & Silk, M. L. (2004). Sport and the façade of redevelopment in the postindustrial city. *Sociology of Sport Journal*, 21(2), 119-39.
13. Giulianotti, R., Collison, H., Darnell, S., & Howe, D. (2017). Contested states and the politics of sport: The case of Kosovo—division, development, and recognition. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 9(1), 121-36.
14. Girginov, V., & Hills, L. (2008). A sustainable sports legacy: Creating a link between the London Olympics and sports participation. *The international journal of the history of sport*, 25(14), 2091-116.
15. Ghasemi, H., Tojari, F., Boroujerdi Alawi, M., Emami, H., & Amiri, M. (2012). Content analysis of physical education instructors' views on sport components from 1357 to 1388. *Sports Management*, 13, 137-52. (Persian).
16. Haudenhuyse, R. (2018). The impact of austerity on poverty and sport participation: Mind the knowledge gap. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 4(1), 1-11.
17. Hodge, C. J., Kanters, M. A., Forneris, T., Bocarro, J. N., & Sayre-McCord, R. (2017). A family thing: Positive youth development outcomes of a sport-based life skills program. *Journal of Park & Recreation Administration*, 35(1), 34-50.
18. Humpel, N., Owen, N., & Leslie, E. (2002). Environmental factors associated with adults' participation in physical activity: A review. *American Journal of Preventive Medicine*, 22(3), 188-99.
19. Kramer, D., Lakerveld, J., Stronks, K., & Kunst, A. E. (2017). Uncovering how urban regeneration programs may stimulate leisure-time walking among adults in deprived areas: A realist review. *International Journal of Health Services*, 47(4), 703-24.
20. Lyons, R. A., Delahunty, A. M., Heaven, M., McCabe, M., Allen, H., & Nash, P. (2000). Incidence of childhood fractures in affluent and deprived areas: population-based study. *British Medical Journal*, 320(7228), 149-58.
21. Nawaran, A. (2018). Identifying and prioritizing educational issues of E-learning courses at Tarbiat Modares University based on interpretative structural modeling methodology (Master's thesis). Tarbiat Modarres University, Tehran. (Persian).
22. Nogueira, H., Gama, A., Machado-Rodrigues, A., Mourão, I., Rosado Marques, V., & Padez, C. (2016). Deprivation, sport facilities, physical activity: the obesogenic environment of Portuguese children Helena Nogueira. *European Journal of Public Health*, 26, 25-39.
23. Reid, G. (2017). A fairytale narrative for community sport? Exploring the politics of sport social enterprise. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 9(4), 597-611.
24. Vandermeersch, H., Van Regenmortel, T., & Scheerder, J. (2017). There are alternatives, but your social life is gurtailed: Poverty and sports participation from an insider perspective. *Social Indicators Research*, 133(1), 119-38.

25. Van Middelkoop, M., Ligthart, K. A., Paulis, W. D., van Teeffelen, J., Kornelisse, K., & Koes, B. W. (2017). A multidisciplinary intervention programme for overweight and obese children in deprived areas. *Family Practice*, 34(6), 702-7.
26. Warfield, J.W. (1974). Developing interconnected matrices in structural modelling, *IEEE transcript on systems, Men and Cybernetics*, 4(1), 51-81.
27. Webb, E. (2016). Positive youth development, sport and communities: Research trends and future directions. *International Journal of Sport Psychology*, 47(2), 165-86.

#### استناد به مقاله

رنجبری، شیدا، آفازاده، اکبر، و چمن‌گلی، عبدالله. (۱۳۹۷). تحلیل موانع فقرزدایی ورزشی در ایران. *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۱۰ (۵۰)، ۶۳-۸۶.  
شناسه دیجیتال: 10.22089/smrj.2018.5292.2039

Ranjbari, Sh., Agha Zadeh, A., & Chamangoli, A.A. (2018). Study of the Barriers Sports Poverty Reduction in Iran. *Sport Management Studies*. 10(50): 63-86. (Persian).  
Doi: 10.22089/smrj.2018.5292.2039

## **Study of the Barriers Sports Poverty Reduction in Iran**

**Sh. Ranjbari<sup>1</sup>, A.A. Agha Zadeh<sup>2</sup>, A. Chamangoli<sup>3</sup>**

1. Assistant Professor of Sport Management, Islamic Azad University, Urmia Branch, The city of Urmia\*
2. Assistant Professor of Sport Management, Islamic Azad University, Urmia Branch, The city of Urmia
3. Ph.D. in Sport Management, Islamic Azad University, Urmia Branch, The city of Urmia

**Received: 2017/12/28**

**Accepted: 2018/04/28**

---

### **Abstract**

The purpose of this study was to investigate the barriers of sport Poverty Reduction in Iran through structural interpretation modeling. The present study was Analytical descriptive method. The statistical population of the study consisted of sports management experts who have sufficient experience in policy areas as well as appropriate knowledge about issues related to poverty in sport. The research instrument was a researcher-made questionnaire with 23 questions that included 23 preventive measures for the elimination of sport in Iran. questionnaire of structure Validity was approved exploratory factor analysis method. Reliability of this questionnaire was confirmed by using Cronbach's alpha ( $\alpha = 0.88$ ). The whole process of analyzing the data was done in SPSS and MicMac software. The results of this study showed that some barriers such as lack of attention of families to sport in deprived and poor areas of the country, the existence of natural and geographical changes in some deprived areas, and the creation of some natural disadvantages in these areas, lack of training programs in the field of sports in the regions Deprived and poor, cultural weakness regarding the use of all classes and groups in deprived and poor areas, lack of industrial and production units to support sport in the deprived and poorly populated areas of the country, and the lack of attention of senior sports managers of the country to the development of sport In the deprived and impoverished regions of the country, the main independent variables were identified The creation and formation of other barriers.

**Keywords:** Poverty Reduction, Deprivation, Sport, Justice, Rural

---

---

\* Corresponding Author

Email: ranjbarisheida@yahoo.com